

تحلیلی از عاشورا و نقش آن در حرکت های خودجوش مردمی

<?xml encoding="UTF-8?">

حماسه پرشکوه عاشورا، تداعی بخش نهضت خونین امام حسین (ع) و یارانش بر ضد استبداد، فساد و تباهی است؛ قیامی که ماهیت و محتوایی مقدس و معنوی دارد و تبلور ستیز همه جانبه و گسترده تمامی حق طلبان تاریخ علیه جفا پیشگان و قدرت های طاغوتی است. این قیام، چراغی فروزان فراروی همه آزادی خواهان جهان و انسان های بی شماری است که در صدد ترتیب دادن قیام هایی برای محو جهالت ها، تبعیض ها و زورگویی ها بوده اند؛ البته باید این واقعیت را در نظر داشت که قیام عاشورا، سنت عملی و مسلّم امام معصوم به شمار می آید و ائمه هدی بر لزوم بزرگداشت آن تأکید کرده اند؛ بنابراین هم خود نهضت و هم تعظیم شعائرش ریشه دار و با اصالت است؛ به همین دلیل بر پایی مراسم سوگواری برای حماسه آفرینان عاشورا، یک مکتب همگانی و کلاسی تربیتی است.

شرق شناس فرانسوی، دکتر رینو می گوید: شیعیان، با برپاداشتن مراسم محرم، به صورتی داوطلبانه و عاشقانه توانسته اند مکتب خویش را به جهان معرفی کنند و نیز افرادی حق جو را از نقاط گوناگون جهان، با خویش همراه سازند، زیرا هرکس با هر گرایشی به لحاظ سرشت درونی، حامی مظلوم است.

هراس ستمگران از برپایی مجالس محرم

عاشورا هم چون خورشیدی فروزان، بر اثر مرور زمان، درخشندگی افزون تری می یابد، کاروان اسیران نینوا که طلایه داران تأثیرگستری عاشورا بودند، به هرجا رفتند، بذرهای قیام کربلا را افشاندند؛ تا جایی که دربار جنایتکار شام از آن در وحشت افتاد. از آن هنگام هر وقت که مردمانی عاشق و شجاع، خواسته اند از عاشورا الهام بگیرند و آتش در خرمن ستمگران افکنند، دشمنان را به رغم قدرت و توانایی هایی فراوان، به سوی زوال سوق داده اند.

رضاخان که از تأثیر شگفت مجالس حسینی وحشت داشت، تمامی آداب و رسوم عزاداری را که مرکز تجمع و حرکت بود و نیروگاه قیام ها به شمار می رفت، ممنوع کرد. روشن فکران خود باخته نیز درصدد تخریب و تخطئه کردن عزاداری های محرم بوده اند. میرزا فتحعلی آخوند زاده (1228 1295) که داعی و ناشر مدنیت غربی است و قصد سنت شکنی و دور ساختن دیانت از عرصه های سیاسی و اجتماعی دارد، در مقام مخالفت با عزاداری های عاشورا بر می خیزد و تأکید می کند: «چه لزومی دارد آدمی به خاطر نقل حادثه ای که چندین قرن از آن می گذرد، اوقات خود را دائماً تلخ کند و به دلیل عملی بی خاصیت، از کسب و کار باز بماند، این عزاداری ها، نه برای ما فایده دارد و نه برای امام حسین (ع)؟!» (1)

قیام پانزده خرداد 1342 که طلیعه حرکت مقدس امام خمینی (ره) علیه رژیم پهلوی در شکلی گسترده به شمار می آید، با دوازدهم محرم 1383 ه. ق مصادف بود، همین تقارن می توانست قیام را بالا ببرد و به استبداد و استعمار ضربه ای سهمگین وارد کند. محرم، ماه ایثار و دل کندن از دنیا، ذکر و عزاداری برای فداکاران نینواست،

اعلامیه ها و بیانیه های امام نیز در جهت بهره مند شدن از چشمه حسینی برای نابودی باتلاق یزیدی بود و به همین دلیل در ابتدا خطاب به دسته ها و هیأت های مذهبی است. رژیم از این که تظاهرات مردم با ایام محرم هم زمان گردیده است، اظهار نگرانی می کند و برای کنترل حرکات احتمالی بخشنامه ای محرمانه به کلانتری ها صادر می کند که در مجالس عاشورایی جز مسایل مذهبی و ذکر مصیبت چیزی دیگری مطرح نشود، شاه نیز در این ایام، با دست زدن به یک تبلیغ روانی خود را نظرکرده معصومان می شمارد و می کوشد خود را به حربه مخالفان مجهز کند، اما این حرکت منافقانه، از خیزش نهضت جلوگیری نمی کند و دسته های عزاداری در ایام محرم در چندین شهر کشور که مرکز ثقل آن ها قم و تهران است در خیابان ها به حرکت در می آیند و جنبشی بزرگ را سامان می دهند. امام در قم به مقایسه بین سردمداران اموی و رژیم پهلوی می پردازد و نتیجه می گیرد که هر دو با اساس اسلام مخالفند. ایشان در مدرسه فیضیه قم، فریاد زد: «عصر، عصر روز عاشورا است»، مردم با تأثیرپذیری از عاشورا و نیز به دلیل بیانات روح بخش امام، از خود هیجان افزون تری بروز می دهند و عوامل رژیم، سراسیمه و آشفته، ناگزیر برای حفظ تشکیلات سلطنتی، به سرکوبی نهضت می پردازند و پیوند خود را با یزیدیان و امویان به اثبات می رسانند.

در اواسط سال 1357 ه. ش یکی از مسایلی که رژیم شاه را به شدت نگران کرد، فرا رسیدن ماه محرم بود. شاه در مذاکرات خصوصی گفته بود: اگر بتوان این ماه را با آرامش پشت سر نهاد، می توان به بقای رژیم امیدوار بود، اما محرم با شعار «پیروزی خون بر شمشیر» که از حلقوم میلیون ها نفر بر می آمد، حضور خود را اعلام کرد و با تابش خود انقلاب را به پیروزی رساند و رژیم جبار پهلوی را نابود ساخت.

خورشید درخشان

در دوران رژیم طاغوتی، اگرچه مراسم عاشورا به طور گسترده در سراسر ایران برگزار می گردید، اما بیش تر عزاداری ها خالی از هرگونه حماسه و پیامی بود. در حالی که در تمامی مراحل انقلاب عاشورا سخن از دیانت، عدالت، آشتی ناپذیری با ستم و یورش به دشمن ضد ارزش هاست، با شروع نهضت امام خمینی (ره) که خود تأثیرپذیرفته از عاشورای حسینی بود، عزاداری ها شکل دیگری به خود گرفت؛ کانون اصلی خیانت و فساد معرفی شد و نیروی محرکه انقلاب مراسم عاشورا گردید و بدین سان همه سرزمین ایران به یک باره کربلا شد. از رژیم شاه به عنوان یزید زمان و از امام خمینی به عنوان حسین عصر، سخن گفته شد؛ محرم سال 57 ه. ق حیات دیگری را به جامعه انقلابی تزریق کرد و به قول سایروس برام، نویسنده ایرلندی، تظاهرات سراپا سیاسی تاسوعا و عاشورای سال 57، به جای سوگواری مذهبی، به یک رفراندوم پرجوش و خروش تبدیل گشت، آشکارترین اثر این حرکت، محکومیت رژیم شاه و انکار ناپذیری نقش رهبری انقلاب بود. در این ایام، مسلمانان ایرانی همه فریادهایی را که طی قرون و اعصار گذشته در گلوئی خود، فرو خورده بودند و تمام نیرویی را که پادشاهان ستم پیشه در هم کوبیده بودند، در یک مبارزه سترگ و مقاومتی جانانه، متراکم ساختند و یکی از سفاک ترین ستمگران تاریخ را از تخت طاغوتی به زیر آوردند. ابتکار شگفت مردم با فریادهای الله اکبرشان بر بام ها آغاز شد و در همان شب با یاد شهیدان کربلا به خیابان ها ریختند و پیکر به خون خفته آنان مشعلی برای استمرار حرکت در شبی تاریک و رسیدن به صبح صادق گردید. فردایش نیز هم چنان با شعارهای کوبنده: «توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد»

پیروزی خون بر شمشیر را ندا دادند.

تقارن محرم با ایام حساس مبارزه، باز هم شکوهی خاص آفرید. تظاهرات و درگیری با رژیم، هم چنان در تمام کشور با شدت ادامه یافت. دولت نظامی، با شکست روبه رو شد. وقتی بختیار بر سر کارآمد، عقب نشینی رژیم کاملاً مشخص گردید، مردم با خودآگاهی انقلابی از همان روزهای آغازین روی کارآمدن بختیار، وی را نوکری بی اختیار خواندند و امام خمینی، طی اطلاعیه ای حکومتش را دست نشانده و غیرقانونی اعلام کرد. شاه در 26 دی ماه 1357 فرار می کند و این در حالی است که امام، سه روز قبل از آن، تشکیل شورای انقلاب را اعلام می کنند. سرانجام در زمستانی سرد، رودخانه ای که از سینه عاشورا سرچشمه گرفته بود، ضمن آن که بساط استبداد را درهم پیچید، با صفا و طراوت خود، آزادگی و رهایی از یوغ سلطه را برای امت ایرانی به ارمغان آورد. امید آن که به فرموده امام خمینی، پرچم پرافتخار اسلام بر فراز قله جهان به اهتزاز درآید و به برکت خورشید عاشورا، سپاهی ها و خاموشی ها از آسمان انسانیت کنار رود و ملت های محروم و صالح و رنج دیده سرنوشت خود را به دست گیرند و از شر استبداد و استکبار، رهایی یابند.

پی نوشت :

1. فریدون آدمیت، اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص 191